

## داروی آرامبخش خدا برای قلب‌های مضطرب

علیرضا وکیل‌ا در جغرافیای ملت‌ب جنگ. آنجا که صدای انفجارها و غرش تهدیدهای تو خالی دشمن، قلب‌های سست را به لرزه می‌اندازد. تکیه‌گاه اصلی نه در پناهگاه‌های بتنی، که در اتصال قلبی به مبدأ قدرت، نهفته است. نگاه توحیدی به ما می‌آموزد که پیروزی پیش از آنکه در میدان‌های نظامی رقم بخورد، در فتح قلمرو روان و قلب انسان هاریشه دارد. امروز که دشمن با ابزارهای رسانه‌ای و جنگ روانی، قصد دارد بذر اضطراب را در دل جامعه بپاشد، بیش از هر زمان دیگری به فهم آرامش ویژه الهی نیاز داریم.

قرآن کریم در سوره مبارک فتح، از نعمتی سخن می‌گوید که پایداری جبهه حق را در برابر تندباد حوادث، تضمین می‌کند: «هُوَ الَّذِي أَنزَلَ الشَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيُذْأَبُوا إِيْمَانًا مَعَ إِيْمَانِهِمْ وَهُوَ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا» او کسی است که آرامش را در دل‌های مؤمنان، نازل کرد تا ایمانی بر ایمانشان افزوده شود. و لشکریان آسمان‌ها و زمین از آن خداست و خداوند، دانا و حکیم است. «این آیه، سند مالکیت امنیت روانی در جبهه حق است. «سکینه» در لغت به معنای طمأنینه و وقاری است که بر قلب نازل می‌شود تا لرزش‌های ناشی از ترس و شک را مهار کند. زمانی که مؤمنان در محاصره سختی هافرار می‌گیرند، خداوند این آرامش را به عنوان یک «مدد غیبی» تزریق می‌کند تا ظرفیت روانی نیروهای مسلح و مردم مدافع، برای مبارزه‌ای طولانی افزایش یابد. این پرسش که «چرا لشکر خدا دچار فروپاشی نمی‌شود؟» پاسخی در انتهای همین آیه دارد، وقتی به خدایی وصل باشیم که لشکریان پنهان و آشکار تمام هستی فرمان‌بر او هستند، دیگر جایی برای تزلزل باقی نمی‌ماند.

رابطه با خدا در میانه معرکه، مانند لنگری است که کشتی جامعه را در طوفان سهمگین حوادث، ثابت و استوار نگاه می‌دارد. دشمن با بمباران و شایعه، به دنبال ایجاد «ارزش از دست رفته» در روحیه ملی است، اما نصرت الهی با نزول سکینه، ایمان را لایه به لایه تقویت می‌کند. ما امروز در حال تجربه این حقیقت هستیم؛ جایی که آرامش جاری در خانه‌ها و اقتدار نهفته در نگاه مدافعان، ثمره همان چتر امنیت روانی است که پروردگار علیم و حکیم بر سر ملت مقاوم گشوده است.

بیاییم باتقویت ارتباط قلبی با پروردگار، سد دفاعی روان خود را در برابر تهاجمات دشمن، مستحکم کنیم. نصرت الهی تنها در سلاح خلاصه نمی‌شود، آرامشی که خدا در دل‌های مؤمنان نازل می‌کند، بزرگ‌ترین سلاح در برابر امپراتوری ترس و اضطراب استکبار است. پیروزی نهایی از آن ملتی است که در اوج تقابل، قلبش را به وعده «وَهُوَ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» گره زده است. وقتی خدا با ماست، هر اضطرابی محکوم به فناست.

## خدا را از دل تحولات روزگار یافتن

محمدجواد علیپور ا همه ما لحظه‌ای را به خاطر داریم که با تمام وجود برای رسیدن به هدفی تلاش کردیم، اما ناگهان ورق برگشت یا برعکس، وقتی راهی چنان بسته می‌نمود که ناامیدی بر دلمان سایه انداخته بود، به ناگاه دری به وسعت آسمان گشوده شد. این تغییرات ناگهانی، این «فسخ عزائم» به تعبیر مولای متقیان، تصادف محض است یا نشانه‌ای از اراده‌ای حکیمانه در پس پرده هستی؟ غَزَتْهُ اللَّهُ شَيْخَانَهُ يَفْشَخُ الْعَزَائِمَ وَ خَلَّى الْغُفُودَ وَ نَقَضَ الْهَيْمَمَ: خدا را از سست شدن اراده‌های قوی، گشوده شدن گره‌های دشوار و درهم شکسته شدن تصمیم‌ها شناختیم.

امام علی<sup>(ع)</sup> در این کلام کوتاه و پرمعنا، دریچه‌ای متفاوت به روی خداشناسی می‌گشاید. ایشان، شناخت خداوند را نه فقط از راه استدلال‌های پیچیده فلسفی، بلکه از مسیر تجربه زیسته و درگونی‌های زندگی روزمره، معرفی می‌کنند. همه ما در زندگی، لحظاتی را تجربه کرده‌ایم که با عزمی راسخ، تصمیم به انجام کاری گرفته‌ایم، اما ناگهان، با وجود فراهم بودن همه مقدمات، همه چیز تغییر کرده است؛ اراده محکم ما سست شده است. گره‌های به ظاهر گشودنی، یک باره سفت شده‌اند و برنامه‌های دقیقمان، نقش بر آب شده‌اند. این تغییرات ناگهانی که گاهی به سود و گاهی به ضرر ماست، از کجا سرچشمه می‌گیرد؟ امام<sup>(ع)</sup> پاسخ می‌دهند که این تحولات، نشانه‌هایی آشکار از وجود اراده‌ای فراتر از اراده انسان است. وقتی برنامه‌های ما به هم می‌ریزد، درمی‌یابیم که دست تقدیر و مشیت الهی، اراده‌ای برتر از اراده ماست که در پس پرده رویدادها جاری است. این نگاه، خداشناسی را از یک مفهوم نظری صرف، خارج و آن را به بخشی جدایی‌ناپذیر از تجربه انسانی تبدیل می‌کند. درسی که امروز برای ما دارد، این است که در اوج قدرت و برنامه‌ریزی، نباید از اراده خداوند غافل شویم و در عین حال، در لحظات سخت و زمانی که درها به رویمان بسته می‌شوند، به گشایشی که از سوی او رقم می‌خورد، امیدوار باشیم.

## اسال در جست‌وجوی یک تصویر

تصور کنید قرار است روایتگری باشید که باید از «شخص اول» بنویسد، اما نه از آن فاصله‌های رسمی و قالب‌های خشک خبری، بلکه از نزدیک‌ترین فاصله‌ای که می‌شود به یک رهبر داشت. مهدی قزلی در کتاب «روایت اول شخص از شخص اول» دقیقاً همین کار را کرده است؛ او ۱۰ سال از عمرش را در حاشیه دیدارهای رهبر شهید انقلاب گذرانده و حالا حاصل این ۱۰ سال هم‌نشینی را در کتابی جمع کرده است که خواندنش، شبیه تماشای پشت صحنه یک فیلم از زندگی مردی است که تصویرش را همیشه روی بلیبوردها دیده‌ایم، اما زیر پوستش را هرگز ندیده‌ایم.

داستان کتاب از یک مأموریت ده روزه در سفر استانی کردستان در سال ۱۳۸۸ شروع می‌شود، مأموریتی که ۱۰ روز نشد، ۱۰ سال شد. قزلی در این ۱۰ سال، در بیش از ۵۰ جلسه و برنامه معظم‌له شرکت می‌کند و هر کدام از این برنامه‌ها را پنجره‌ای به سوی شناخت سیر و سلوک ایشان می‌داند، پنجره‌هایی که گاهی رو به جانبازان قطع نخاعی باز می‌شود و بغض آشنایشان، گاهی رو به فرزندان شهدایی که هیچ‌گاه حسن یتیمی ندارند، چون پدری مهربان در اوج دلتنگی، آغوشش را برایشان باز کرده است و گاهی هم رو به شاعران و دانش‌جویانی که در بیت رهبری، دور شمع وجودش پروانه‌وار می‌چرخند.

نثر کتاب، فاصله‌اش را با روایت‌های رسمی مرسوم حفظ کرده و به جای شعار، سراع لحظه‌ها رفته است. یکی از تأثیرگذارترین بخش‌های کتاب، جایی است که مادر شهیدی مقابل رهبر شهید انقلاب از گریه نکردنش می‌گوید تا دشمن خوشحال نشود و ایشان با ابروهای درهم‌کشیده پاسخ می‌دهند: «غلط می‌کنند خوشحال بشوند. گریه برای مادر هیچ اشکالی ندارد.» این لحظه‌هاست که تصویر معظم‌له را از یک مفهوم انتزاعی، به انسانی ملموس و پدري مهربان تبدیل می‌کند.

«روایت اول شخص از شخص اول» کتابی نیست که صرفاً برای طرفداران پروپاقرص رهبر شهید انقلاب رهنوشته شده باشد، بلکه برای هر کسی است که می‌خواهد بداند آن سوی قاب‌های رسمی، چه انسانی با چه دغدغه‌هایی زندگی می‌کند.

این کتاب، شما را به سفر می‌برد، سفری هیجان‌انگیز به پشت‌صحنه دیدارهای هبرتی که جهان، کمتر همچون اوایی را به این اندازه اهل گفت‌وگوی بی‌آلایش با ملتش، به خود دیده است.

## خوانشی کوتاه از نگاه امام رضا<sup>(ع)</sup> به خانواده

# در سایه خورشید خانواده می‌درخشد



سمانه رضوانی | خانواده رضوی یعنی خانه‌ای که آدم وقتی واردش می‌شود، حس می‌کند به یک حرم کوچک پا گذاشته است؛ جایی که در آن، احترام، مهربانی، آراستگی و دغدغه خدا فراموش نشده است. برای ساختن چنین خانه‌ای، لازم نیست کارهای عجیب کنیم؛ کافی است نگاه امام رضا<sup>(ع)</sup> به زندگی خانوادگی را بشنویم و آهسته‌آهسته با آن همراه شویم.

## جایی که همسر، نقطه امن دل است

که خانه، پناهگاه باشد نه میدان جنگ. همسر، باید جایی باشد که آدم با دیدنش، خستگی‌های روزز تنش بیرون برود و وقتی هم که کنارش نیست، خیال انسان از امنیت‌داری، وفاداری و حفظ آبرو راحت باشد.

حَفَظَتْهُ فِي نَفْسِهَا وَ عَلَايَهِ، هیچ فایده و بهره‌ای برای انسان، بهتر از همسر شایسته نیست؛ همسری که وقتی به او نگاه می‌کند، شادش می‌کند و وقتی نزد او نیست، آبرو و جان خود و مال او را حفظ می‌کند. «یعنی معیار «خانواده رضوی» این است

بعضی‌ها خیال می‌کنند بزرگ‌ترین دستاورد زندگی، پول و شغل و موفقیت اجتماعی خوب است، اما در منطق اسلام، موفقیت‌جای دیگری معنا می‌شود، امام رضا<sup>(ع)</sup> می‌فرمایند: «مَا أَفَادَ عَبْدٌ فَأَبْدَهُ خَيْرًا مِنْ زَوْجِهِ صَالِحَةٍ، إِذَا رَأَاهَا سَرَّتَهُ، وَإِذَا غَابَ عَنَهَا

## مهربانی در خانه؛ متر واقعی ایمان

اگر از ما بپرسند «باتقواترین آدم‌ها چه کسانی‌اند» شاید ذهنمان، کسی را در سجد و دائم در حال ذکر تصور کند، اما امام رضا<sup>(ع)</sup> نقل می‌کنند که پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> معیار را جور دیگری تعریف کرده‌اند: «أَحْسَنُ النَّاسِ إِيْمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا وَ أَطْفَلُهُمْ بِأَهْلِهِ وَ أَنَا أَطْفَلُكُمْ بِأَهْلِي: خوش‌اخلاق‌ترین آن‌هاست، و مهربان‌ترینشان با خانواده‌اش، و من از همه شما نسبت به خانواده‌ام مهربان‌ترم.» اینجا، حدیث، وسط یک واقعیت مهم می‌نشیند: ایمان ما باید در «اخلاق خانگی» دیده شود. انسانی که در بیرون لبخند می‌زند و در خانه عبوس است، در منطق دینی، به قله ایمان نرسیده است. خانواده رضوی جایی است که اعضا، حتی در اوج خستگی و دلگیری، مرزهای ادب و مهربانی را نمی‌شکنند، چون می‌دانند که امتحان اصلی همین جاست، نه جایی دیگر.

## رابطه با خدا، از لحن ما با پدر و مادر می‌گذرد

گاهی فکر می‌کنیم ایمان مادر عبادت‌ها و معنویت‌های شخصی خلاصه شده است، درحالی‌که امام رضا<sup>(ع)</sup> یادآوری می‌کنند یکی از حساس‌ترین نقاط رابطه با خدا، کیفیت رفتار ما با پدر و مادر است: «حَرَّمَ اللَّهُ عَفْوَ الْوَالِدَيْنِ لِمَا يَمُنَّ بِهِ مِنَ الْغُرُوحِ مِنَ التَّوْفِيقِ لِمَا عَزَّ وَجَلَّ: خداوند، نافرمانی و آزار پدر و مادر را حرام کرده است، زیرا در آن، بیرون رفتن از توفیق اطاعت خداوند بزرگ، نهفته است.» یعنی در خانواده اسلامی، ملاک دینداری فقط نماز اول وقت فرزندان نیست؛ اینکه چطور جواب «بابا» و «مامان» را می‌دهند، چطور وقتی عصبی‌اند زیان‌شان را نگه می‌دارند و چقدر برای دل شکستن والدین خط قرمز دارند، بخشی از ایمانشان است. جالب اینجاست که این احترام، نسل به نسل منتقل می‌شود؛ فرزندی که احترام پدر و مادر را رعایت کرده است، فردا در جایگاه پدر یا مادر، همان احترام را از فرزندان‌ش خواهد گرفت.

## آراستگی مرد، احترام به چشم و دل همسر

مرد هم به اندازه زن، برای چشم و دل همسرش، احترام قائل است؛ تمیز، مرتب، خوشبو و آراسته است. این آراستگی فقط ظاهری نیست، پیام ناخودآگاهش این است که «من برای تو اهمیت قائلم، برایت وقت می‌گذارم و می‌خواهم در نگاه تو دوست‌داشتنی بمانم.» چنین نگاهی، صمیمیت و امنیت عاطفی خانواده را عمیق‌تر می‌کند.

امام رضا<sup>(ع)</sup> با موهایی رنگ‌شده دیده شدند و وقتی راوی تعجب کرد، فرمودند: «در آراسته‌کردن (مثل رنگ‌کردن مو) پاداشی است؛ این آماده‌بودن و آراستگی، از چیزهایی است که عفت و پاکدامنی زنان را بیشتر می‌کند، زنان، عفت را رها کردند، چون شوهرانشان، خود را برای آنان آراسته نکردند.» پیام حضرت روشن است، در خانواده رضوی،

وقتی صحبت از آراستگی در خانه می‌شود، خیلی‌ها ناخودآگاه فقط به تکلیف‌زن فکر می‌کنند، درحالی‌که روایت امام رضا<sup>(ع)</sup> دقیقاً این نگاه را اصلاح می‌کند. راوی می‌گوید: «دَخَلَ عَلَيَّ أَبِي الْخَسَنِ الرَّضَا وَ قَدْ خَضِبَ شَعْرَهُ بِالْشَّوَادِ، فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فُذًا كَ خَضِبْتَ بِالْشَّوَادِ؟ فَقَالَ<sup>(ع)</sup>: فِي الْخَضَابِ أَجْرٌ وَ التَّهَيُّؤُ مِمَّا تَزِيدُ فِي عَمَلِهِ النَّبَاءُ، قَدْ تَرَكْتُ الْعَمَلَ لَتَرَى أَزْوَاجَهُنَّ التَّهَيُّؤُ لِهِنَّ.»

## مواسات و خیرخواهی؛ کلید گشایش آسمان‌ها

این هوای همیاری و همدلی، همان مسیری است که در دنیای پرچالش فرهنگی، اقتصادی و سیاسی روزگار در تنفس انسان‌ها و حیات مطلوب به کار می‌آید و راهبردی استراتژیک و ضروری برای حل مشکلات است. البته هر کسی بنابه‌نیازی که به‌او مراجعه‌شده، وظیفه‌ای شخصی دارد و خودش باید برای دریافت این پاداش و فیض الهی، مخلصانه گام بردارد اما بدانیم هر قدمی که در این مسیر مساوات و همدلی و خیرخواهی برداریم، به‌طور حتم در مجموع، کلید گشایش کاره‌ها است. بنابراین، وظیفه ما در قبال حدیث شریف و رهنمودهای رهبر معظم انقلاب، تبدیل این آموزه به یک «فرهنگ عمومی» و «سبک زندگی» است. باید در خانواده‌ها، مدارس، دانشگاه‌ها و محیط کار، روحیه همدلی و گره‌گشایی تقویت شود و همگان به این نتیجه مهم برسند که برای رشد در زندگی، دانش و فناوری و حتی شکست دشمنان، به نگاه لطف الهی نیاز است و این امر از گذرگاهی به نام مواسات و غم‌خواری و خیرخواهی می‌گذرد. یعنی ابتدا باید دل‌هایمان را به محبت دیگران و یاری همدیگر بسپاریم و باور کنیم که دست‌گیری از افتادگان، نه تنها بار اضافی بر دوش مانیست، بلکه بال پروازی است که ما را به سوی قله‌های مادی و معنوی صعود می‌دهد.

و «من برای تو» در آن حاکم باشد، از انسجام داخلی نفوذناپذیری برخوردار است. بنابراین، وقتی شهروندان یک جامعه احساس کنند که در سخت‌ترین لحظه‌ها، تنها نیستند و سرمایه اجتماعی مهمی به اسم هم‌نوعان برای برطرف کردن حاجت آنان حضور دارد، اعتماد عمومی شکل می‌گیرد که به واسطه آن، سرمایه اصلی قدرت ملی وجود خواهد داشت. از سوی دیگر ارتباط مستقیم این رویه اجتماعی با «امداد‌های غیبی» و گشایش‌های دنیوی - از نزول باران رحمت و رفع بلاهای طبیعی گرفته تا غلبه بر دشمنان متجاوز و حتی پیشرفت‌های علمی و فناوریانه - که در پیام رهبر معظم انقلاب نیز به آن اشاره شده، روشن است. البته در نگاه اول، شاید ارتباط بین کمک به همسایه و هم‌وطن و پیشرفت فناوری، دروازه‌ای به نظر برسد، اما در میدان معنویت، این ارتباط بهتر به نتیجه می‌رسد. وقتی انسان‌ها با دوری از کینه‌ورزی به محبت می‌رسند، ظرفیت دریافت فیض الهی افزایش می‌یابد و با کمک خداوند، زمینه‌های ثمربخشی در همه عرصه‌ها حتی علم و فناوری سریع‌تر و هموارتر فراهم می‌آید.



کارشناس ارشد دینی و علوم ارتباطات اجتماعی، حمید مصدیان

و باطل معرفی کرده‌اند. به بیان رهبر معظم انقلاب، خیرخواهی برای یکدیگر و ایثارگری، ویژگی است که همراه با امید به رحمت و اسعه الهی، خط فاصل و مرزی مشخص بین کسانی که تحت پرچم حق ایستاده‌اند و افرادی که حول محور منافع مادی و باطل حلقه زده‌اند، ایجاد می‌کند. این تمایز، صرفاً یک شعار اخلاقی نیست، بلکه یک واقعیت اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است. جوامعی که برپایه خودخواهی بنا شده‌اند، اگرچه ممکن است در ظاهر پیشرفت‌هایی داشته باشند، از درون تهی و شکننده‌اند. این نکته‌ای است که در نظرات امیل دورکیم، جامعه‌شناس مطرح که بر هم‌بستگی اجتماعی تأکید دارد و همچنین بر اساس نظریات رابرت پاتنام، جامعه‌شناس آمریکایی که معتقد است جوامعی که در آن‌ها اعتماد متقابل، شبکه‌های همکاری و نوع دوستی (مواسات) کاهش یابد و فردگرایی افراطی (خودخواهی) حاکم شود، دچار «فرسایش سرمایه اجتماعی» می‌شوند، این‌گونه بیان می‌شود که «جوامع خودمحور با تضعیف اعتماد عمومی، هزینه‌های سنگین گسست اجتماعی را پرداخت می‌کنند» و البته در مقابل، جامعه‌ای که فرهنگ «هم‌زیستی»

در هیاهوی دنیای مادی و پرزرق و برق و به اصطلاح «مدرن» که همه‌اش بر مدار رقابت‌های فردی، انباشت ثروت، خودمحوری، خودخواهی و لذت‌خویش می‌چرخد، بازگشت به آموزه‌های اصیل دین و زندگی خدایی، راهبردی حیاتی برای بقا و رشد جامعه امروز است. حدیث شریفی از پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> در کتاب شریف بحارالانوار آمده است که عمق نگاه دین به رفتار اجتماعی مؤمنان را ترسیم می‌کند: «هر مسلمانی که نیاز و حاجت مسلمان دیگری را برطرف کند، خدای متعال به او می‌فرماید اجر و ثواب توبه به عهده من است و به کمتر از بهشت برای تو راضی نخواهم شد.» این کلام نورانی، پاداشی فراتر از تصور بشری را برای سادۀترین اقدامات انسان دوستانه، یاری و غم‌خواری، وعده داده است؛ پاداشی که خود حق تعالی، ضامن آن است. اما باید متوجه باشیم که این حدیث، تنها یک بشارت اخروی نیست، بلکه نشان‌دهنده قدرت و توان جامعه‌ای قدرتمند در دنیایی با آن همه فریب و فرار از انسانیت است. حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب، نیز همین‌اواخر با نگاهی ژرف‌نگر و تمدنی، این مفهوم قرآنی را روایی را در پیام خویش، یادآوری و بر رویه «خیرخواهی خالصانه» و «مواسات»، تأکید ویژه کردند. ایشان مواسات را رمز میان جبهه حق

